

واقعیت گفت و گوهای ابراهیمی

گزارشی از مقاله «مناسبات اسلام، مسیحیت و یهودیت: ذهنیت و واقعیت»*

مقاله امام دکتر عبدالجلیل ساجد بیش از آنکه از لحاظ نظری مهم باشد، از حیث انعکاس دستاوردهای تجربه عملی وی مهم است. اصولاً بحث گفت و گوی ادیان نیز بیش از آنکه از مبانی نظری تقویت شود، از دغدغه‌های عملی و انسانی تقویت می‌شود. مباحث نظری به همان میزان که می‌تواند سبب نزدیکی شود موجب اختلاف فکری نیز خواهد بود و از این رو گفت و گوی بین دینی در اصل و اساس خود مستلزم اراده‌ای معطوف به صلح، برادری، رفع تبعیض و مسیوق به انگیزه‌ای برای تقویت این اراده است. به عبارت دیگر، گفت و گوی بنیادین یک بعد نظری دارد و یک بعد پدیدارشناختی و عملی و در این راستا توجه به تجربیات فعالان در گفت و گوها و روابط بنیادین اهمیت بسزایی دارد.

عبدالجلیل ساجد می‌گوید: «بیش از ۳۰ سال است که در زمینه گفت و گوی ادیان فعالیت می‌کنم» و براساس همین تجربیات برخی نظراتش خواندنی و شنیدنی است. ساجد نخست از پاره‌های پدیده‌های خصوصیات امتی بر تبعیض و خشونت در دنیای جدید - به‌ویژه میان پیروان سه دین توحیدی یهودیت، مسیحیت و اسلام- نظیر تروریسم، قشری‌گری اسلامی، بنیادگرایی اسلامی و درگیری میان اسرائیل و فلسطین ابراز تأسف می‌کند و بر وجود مشترکات دینی نظیر اعتقاد به خدای واحد، ابراهیم نبی مشترک، اسطوره‌های همانند مکان‌های مقدس و برخی قوانین مشترک، آیه‌های مشترک در کتب مقدس دو دین، همزیستی مسالمت‌آمیز تاریخی از صدر اسلام به بعد و... میان یهودیان و مسلمانان تأکید دارد.

ساجد می‌گوید: گفت و گوی بنیادین باید در سه سطح انجام شود و برای هر یک از این سه سطح، عضوی از بدن را به‌مثابه نماد نوعی گفت و گو در نظر می‌گیرد: (۱) گفت و گوی سرها؛ با تأکید بر موضوعات فکری (۲) گفت و گوی قلب‌ها؛ با عطف توجه به دیگری (۳) گفت و گوی دست‌ها؛ با طرح پرسش‌هایی نظیر اینکه: برای دیگران چه کاری می‌توانیم بکنیم؟ (Sajid 2004: 12)

از نظر وی اندیشیدن به پنج عنصر انسانی می‌تواند گفت و گوی بنیادین را تقویت و لوازم آن را فراهم کند:

(۱) رابطه متقابل: احترام و پذیرفتن حضور یکدیگر و آمادگی برای کمک به یکدیگر.

(۲) مسؤولیت: ما مسؤول اعمال و کردار خود هستیم، همچنین موظف به ایستادگی در برابر افرادی هستیم که در جهت گسترش نابرابری و نفرت تلاش می‌کنند.

(۳) تعهد: برپایه ارزش‌های بشری مشترک به‌منظور برقراری صلح و عدالت متعهد هستیم.

(۴) تنوع: تنوع در نام، خانواده، فرهنگ و... تفاوت؛ منبع غنی‌سازی است و نباید از آن برای محرومیت بهره‌برد. باید قدردان این همه تنوع باشیم و به آن به‌مثابه نقطه قوت بها دهیم.

(۵) جست‌وجوی خیر مشترک: جست‌وجوی خیر مشترک اصلی کلی در روابط انسانی ما با دیگران است و باید برای رسیدن به آن همکاری‌ها را گسترش و آنچه مفید است، انجام دهیم (Ibid: 13)

ساجد در مقاله خود به روابط میان یهودیان و مسلمانان توجه بیشتری می‌بذول داشته است. او ضمن اظهار تأسف از وضع خصوصیات امتی کنونی به‌ویژه مناقشه فلسطین و اسرائیل، به نکات جالبی اشاره می‌کند که توجه به آنها می‌تواند پاره‌ای تعصب‌ها و پیشداوری‌ها را کاهش دهد و طرفین را به هم نزدیک‌تر کند. او درباره منزلت میراث یهودی نزد مسلمانان می‌گوید: «در قرآن از میان تمام پیامبران بیش از همه به حضرت موسی اشاره شده است، حتی بیش از حضرت محمد. قرآن به ذکر حیات، سفرها و روابط حضرت موسی با بنی اسرائیل پرداخته است، به طوری که در ۱۷۶ آیه درباره او سخن گفته شده، در حالی که تنها در چهار آیه ذکری از حضرت محمد به میان آمده است» (Ibid: 4)

ساجد می‌گوید: «وقتی که یک یهودی برای نخستین بار قرآن را مطالعه می‌کند، معمولاً از مواجهه با این حقیقت که قرآن به بسیاری از پیامبران توجه خاص نداشته است، تعجب می‌کند، نیز بسیاری از یهودیان وقتی درمی‌یابند قرآن بیشتر به بیان تاریخ و آینده بنی اسرائیل می‌پردازد و یکی از سوره‌های قرآن «بنی اسرائیل» نام دارد، متعجب می‌شوند» (Ibid: 4)

ساجد همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که اسلام با هر شکلی از افراط‌گرایی دینی مخالف است. وی می‌گوید که در اسلام و قرآن زندگی مقدس

است و نتیجه می‌گیرد که اسلام و تروریسم کاملاً با یکدیگر در تضادند. اسلام هر نوع ترور و کشتار بی‌دلیل، بی‌عدالتی، فساد، استبداد و آزار و تعدی را محکوم و رد می‌کند. (Ibid: 9) او بر همین اساس عملیات انتحاری را نیز اقدامی غیراسلامی می‌داند (Ibid: 10).

وی در پایان بر چند نکته تأکید می‌کند، یکی آنکه: «به‌منظور مقابله با انزجار دینی در همه فرهنگ‌ها دو راه وجود دارد: نخست: سطح آگاهی فرزندان خود را از دین بالا ببریم، زیرا بزرگی هر ملتی به افراد تشکیل دهنده آن بستگی دارد و باید به آنها عشق و یاری رساندن به یکدیگر بدون توجه به نژاد، رنگ و یا دین را بیاموزیم. دوم، کلیشه‌های منفی نسبت به دیگران را از قلب و ذهن خود بزداییم، چراکه تصورات زیان‌آور منجر به ایجاد مزاحمت، تبعیض، ظلم و جنایت می‌شوند» (Ibid: 12)

چنانکه پیداست ساجد بر وجه عملی مواجهه بنیادین تأکید خاصی دارد. و دیگر اینکه «مسلمانان، یهودیان و مسیحیان دنیای امروز باید مرز میان جوامع خود و جوامعی که یکتاپرست نیستند را مشخص کنند. البته منظور موعظه کردن یا تفرز از آنان نیست، بلکه باید بدون ترس و واهمه در عقاید دینی خود پابرجا بمانیم».

و بالاخره در تعریف گفت و گو می‌گوید: «گفت و گو مذاکره بی‌وقفه بین گروه‌هایی است که حرفشان یکی نیست و بین کسانی است که تفاوت‌ها، تضادها و طرد متقابل بین شیوه‌های گوناگون تفکرشان را تشخیص داده، به آن احترام می‌گذارند. هدف این گفت و گو فهم و درک منتهی به تأمل بیشتر در مورد دلالت‌های آن برای موضع خود شخص و درباب اعتقادات و حساسیت‌های سنت‌های دیگر است» (Ibid: 12)

*مطلب حاضر تلخیصی است از مقاله «Jewish-Christian-Muslim Relations: vision and reality» دکتر عبدالجلیل ساجد (sajid@imamsajid.com) مدیر شورای اسلامی هماهنگی دینی و نژادی انگلستان، که در کنفرانس «تغییر مرزها» (آلمان - آخن - ۱۸ تا ۲۰ جولای ۲۰۰۴) ارائه شد. ترجمه کامل این مقاله در وب سایت «اخبار ادیان» آمده است.